

پیشگفتار سر ویراستار

مایلم در این مجال به این پرسش پاسخ دهم که آیا روش‌شناسی پژوهشی یک حوزه علمی بر قلمروشناسی آن حوزه اثر می‌گذارد؟ یا روش‌شناسی همواره تابع و تحت تأثیر قلمروشناسی یک حوزه علمی است؟

به زعم نگارنده، روش مطالعه نسبت به موضوع مطالعه یا حوزه مطالعه خنثی عمل نمی‌کند. روشها دارای جهت‌گیری خاص مقوله‌ای یا موضوعی هستند و به عبارت دیگر، هر روش سوگیریهای خاص موضوعی نیز دارد. پس این سخن مشهور که می‌توان موضوعات مطالعه و پژوهش را مستقل از رویکرد روش‌شناختی یا ترجیحات روش‌شناختی مشخص ساخت و آنگاه در مرحله‌ای کاملاً مستقل به گزینش روش مناسب برای پرداختن به موضوع، سوژه یا سؤال پژوهش پرداخت، سخن خامی ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب باید به این حکم کلی که در اکثر منابع علمی ناظر به توسعه روشهای پژوهش به چشم می‌خورد، با دیده تردید نگریم که «روش‌شناسی پژوهش باید متناسب با سؤال پژوهش یا موضوع پژوهش انتخاب شود». این حکم گرچه ظاهری معقول و موجه دارد و در مواردی هم می‌تواند کاربرد داشته باشد، اما از آن جهت که در بطن آن این تصور خام نهفته است که موضوعات پژوهشی را می‌توان مستقل از گرایشهای روش‌شناختی تعیین کرد و تنها در گام بعدی ملاحظات روش‌شناختی را دخیل نمود، باید آن را ناقص، غیر دقیق و در بسیاری موارد غیر عملی ارزیابی کرد. نکته این‌جاست که گرایش روش‌شناسی پژوهشگر به مثابه ابزار کاری است که در اختیار او قرار داشته و از این ابزار کار البته انجام کارهای خاصی بر می‌آید. همچنان که به عنوان مثال، با چکش نمی‌توان کاراره و با دوربین عکاسی نمی‌توان کار دوربین فیلم‌برداری را انجام داد، با روش‌شناسی علمی هم نمی‌توان همان کاری را انجام داد (همان حوزه یا سوژه‌ای را کاوید) که روش‌شناسی مثلاً فلسفی یا انتقادی یا زیباشناختی یا هرمنوتیک اجازه می‌دهد. به دیگر سخن، میان ابزار یا رسانه (Media) و اندیشه (Idea) نسبتی وجود دارد و ابزار روش‌شناختی

خاصی، اندیشه‌های پژوهشی خاصی را به ذهن پژوهشگر متبادر می‌سازد. بنابراین با پذیرش این نکته مهم که رابطه میان روش پژوهش و سوژه پژوهش یک رابطه خطی و یک‌سویه نیست، بلکه رابطه‌ای تعاملی و دوسویه است، می‌توان نتیجه گرفت که بسط روش‌شناسیهای پژوهش و ترویج کثرت روش‌شناسی پژوهش در حوزه برنامه‌درسی به منزله بسط حوزه مطالعاتی و پژوهشی رشته برنامه‌درسی بوده و با طرح زمینه‌ها، متغیرها، سوژه‌ها یا سؤالهای متفاوت پژوهشی زمینه برای بالندگی رشته، توسعه دانش نظری برنامه‌درسی و در نتیجه، توسعه زمینه خدمت‌رسانی حرفه‌ای رشته فراهم خواهد شد.

مهم‌تر از همه اینکه در سایه رواج تنوع و تکثر روش‌شناسی پژوهش در حوزه برنامه‌درسی و خروج از انحصار نامیمون کنونی، اساساً فهم متفاوتی از حدود و ثغور این قلمرو مطالعاتی و موضوعات و سوژه‌های قابل مطالعه و بررسی در این حوزه حاصل می‌شود؛ به طوری که می‌توان درک تازه‌ای از ابعاد و مأموریت‌های رشته را انتظار داشت. مگر جز این است که حدود هر رشته یا قلمرو علمی با اتکا و عطف توجه به پرسشهایی که در آن قلمرو علمی قابل کاویدن و پاسخ دادن است مشخص می‌شود؟ پس از آنجا که بسط روش‌شناسی پژوهش در حوزه برنامه‌درسی به بسط و توسعه پرسشهای قابل طرح، پیگیری و پاسخگویی در این رشته می‌انجامد، درک متفاوتی از حدود و ثغور و مأموریت‌های این رشته را به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب، بسط مفهومی و موضوعی رشته برنامه‌درسی را می‌توان مرهون تنوع روش‌شناسی دانست که علاوه بر ارتباط تنگاتنگ با توسعه دانش نظری این رشته به دلیل پاسخگویی به سؤالهای بیش‌تر و نیازهای متنوع‌تر، نگاه جامعه به رشته را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر دامنه کارآیی حرفه‌ای متخصصان و کارشناسان رشته می‌افزاید.

نگارنده کاملاً توجه دارد که این نتیجه‌گیری می‌تواند موجب برداشتهایی شود که هویت رشته را مخدوش جلوه دهد. به عبارت دیگر، آیا این استدلال رشته برنامه‌درسی را یک رشته بی‌هویت معرفی نخواهد کرد؟ بلافاصله و هم‌صدا با شورت (در گفتار مقدماتی اثر پیش‌او) باید گفت که قبض و بسط ناشی از رویکردهای روش‌شناختی یا منطقی که از آن به موقعیتها نگریسته می‌شود، نباید چنان وسیع باشد که نتوان از «هویت» این قلمرو علمی سخن به میان آورد. چنین وضعیتی البته تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد؛ چرا که اگر رشته

یا حوزه‌ای به عنوان یک قلمرو علمی به رسمیت شناخته شده است، این رسمیت به دلیل موضوعات، مسائل یا پرسشهایی است که مطالعه و بحث درباره آنها دستور کار متخصصان مربوط را تشکیل می‌دهد.

برای رفع این موقعیت تناقض آمیز، یعنی قبض و بسط قلمرو تحت تأثیر روش‌شناسی، می‌توان چنین اظهار نظر کرد که رشته برنامه‌درسی هویت شناخته شده‌ای دارد که مرهون پرسشهای سنتی مطرح در این قلمرو است. این هویت را البته باید یک «هویت حداقلی» دانست که در دوره معاصر با چالش جدی مواجه شده، دیدگاههای نوین پرسشهای تازه‌ای پیش روی متخصصان و محققان این رشته قرار داده است. اگر بتوان از هویت جدید به عنوان «هویت حد اکثری» نام برد که تحت تأثیر روش‌شناسیهای جدید پا به عرصه وجود گذاشته (و البته در برگیرنده هویت حداقلی نیز می‌باشد)، آنگاه می‌توان گفت که قبض و بسط مورد بحث، در واقع، در دامنه «هویت حداقلی» و «هویت حداکثری» در نوسان است و از این رو قلمرو برنامه‌درسی را با پدیده یا بحران «بی‌هویتی» مواجه نمی‌سازد.

این تحلیل را که رشته برنامه‌درسی دارای دامنه هویتی است، شاید بتوان تفسیر مناسبی برای بیان گودلد دانست که اظهار می‌دارد «هستی» یک قلمرو مطالعاتی به نام برنامه‌درسی قابل انکار نیست، اما «چیستی» (یا حدود و ثغور) آن البته تثبیت شده نیست و به شکل آزاردهنده‌ای دستخوش نوسان و سیالیت است. «هستی» مرهون «هویت حداقلی» و «چیستی» معلول «هویت حداکثری» و زاییده گستره روش‌شناسی است.

امید می‌رود ترجمه این اثر و تقدیم آن به جامعه علمی و کارگزاران حوزه تعلیم و تربیت به طور اعم و برنامه‌درسی به طور اخص، دست کم بتواند به تلطیف و تعدیل فضای روش‌شناسی پژوهشی در کشور کمک کند.

این جانب بر خود فرض می‌دانم از تشریک مساعی یکایک همکارانی که با پذیرش مسئولیت ترجمه فصول این کتاب به ارتقای کیفیت اثر کمک کردند صمیمانه تشکر کنم و مزید توفیقات ایشان را از درگاه احدیت مسئلت نمایم. با این همه، کاستیهای احتمالی ترجمه متوجه نگارنده این سطور است که امید دارد مخاطبان فرهیخته با تذکر این گونه موارد زمینه رفع اشکالات را در چاپهای بعدی فراهم سازند.

ویرایش و پرداخت متون ترجمه شده همراه با عشق و علاقه وافر توسط سرکار خانم بیات (ویراستار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش) و همچنین سرکار خانم هاشمی (ویراستار «سمت») که در پیراستگی و آراستگی متن اثر نقش به‌سزایی داشته‌اند، برای بنده که از نزدیک شاهد تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان بوده‌ام، موجب تحسین، تقدیر و تشکر است.

دکتر محمود مهرمحمدی

سر ویراستار

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

شهریور 87- تهران

آشنایی با پروفیسور ادموند سی. شورت

تهیه و تدوین: دکتر محمود مهرمحمدی¹

دکتر شورت در آگوست سال 1999 به عنوان عضو هیئت وابسته، به دانشکده علوم تربیتی دانشگاه مرکزی فلوریدا (University of Central Florida) پیوست و در آنجا به تدریس پاره وقت در دپارتمان مطالعات برنامه درسی پرداخت. علاوه بر این، او راهنمایی رساله‌های دانشجویان دکتری را نیز برعهده داشت و در کمیته تخصصی داوران رساله‌های دکتری هم ایفای نقش می نمود.

دکتر شورت مدرک کارشناسی خود را در رشته آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه پوردو (Purdue) اخذ کرد و تحصیلات کارشناسی ارشد را در رشته راهنمایی و مشاوره در دانشگاه مسیحی تگزاس (Texas Christian University) ادامه داد. او مدرک دکتری تعلیم و تربیت خود را در سال 1965 از دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا (Columbia University) در نیویورک اخذ نمود.

سوابق آموزشی او شامل سه سال آموزش انگلیسی (ادبیات) در مدارس راهنمایی و متوسطه ایالت ایندیانا، یک نیم سال تدریس در دبیرستانی در نیویورک و یک سال تدریس در دبیرستانی در نیوجرسی است. پس از اتمام دوره دکتری، شورت به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه ایالتی بال (Ball State University)، دانشگاه تولدو (Toledo)، دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا (Penn. State University) و دانشگاه جورجیا جنوبی (Georgia Southern University) مشغول فعالیت شد تا این که سرانجام به دانشگاه مرکزی فلوریدا رفت و در آنجا در دوره کارشناسی تربیت معلم و دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشته برنامه درسی و آموزش (Curriculum and Instruction) به تدریس پرداخت. او همچنین در طراحی و راهبری

۱. هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، فارغ التحصیل دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC) در رشته برنامه‌ریزی درسی و آموزشی.

برنامه‌های دکتری در حوزه مطالعات برنامه‌درسی در دانشگاه تولدو، دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا و دانشگاه جورجیا نقش فعال داشته است. در طول مدت بیست و سه سال همکاری با دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا، پروفیسور شورت راهنمایی بیست و سه رساله دکتری را بر عهده داشته و عضو کمیته داوران بیش از صد رساله دکتری بوده است. او پس از بازنشستگی با عنوان استاد برجسته از این دانشگاه در سال 1995، به راهنمایی رساله‌های دکتری و ایفای نقش در کمیته‌های تخصصی در دانشگاه جورجیا جنوبی ادامه داده است.

پروفیسور شورت در دوره‌ای موقت ریاست دپارتمان و همچنین ریاست امور تحصیلات تکمیلی در بخش برنامه‌درسی و آموزش را عهده‌دار بوده و هم‌زمان مسئولیت دوره دکتری رشته برنامه‌درسی و نظارت آموزشی (Curriculum and Supervision) را نیز بر عهده داشته است. او بنیان‌گذار مجله برنامه‌درسی و نظارت آموزشی (نشریه علمی - پژوهشی انجمن نظارت آموزشی و برنامه‌ریزی درسی - ASCD) بوده و در سالهای 1984 تا 1993 در نقش‌های همکار سردبیر و سردبیر این نشریه تخصصی ایفای نقش نموده است. دکتر شورت همچنین عضو هیئت تحریریه نشریه پژوهش‌های برنامه‌درسی (Curriculum Inquiry) بوده و به طور مستمر به تعداد قابل توجهی از نشریات تخصصی دیگر در حوزه برنامه‌درسی یاری رسانده است. وی پنجاه مقاله علمی یا فصل کتاب به چاپ رسانده؛ چهار کتاب تألیف یا گردآوری کرده و بیش از صد و ده سخنرانی در محافل علمی - در سطح ایالتی، ملی و بین‌المللی - ایراد نموده است. پروفیسور شورت سرویراستار مجموعه‌ای شش جلدی با عنوان مباحث برنامه‌درسی و پژوهش (Curriculum Issues and Inquiry) بوده که به وسیله انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک (SUNYY) به چاپ رسیده است.

پیشگفتار پدید آورنده

پس از مطالعه کتاب گرث مورگان¹ با عنوان *فراتر از روش: راهبردهایی درباره پژوهشهای اجتماعی*² خلأ کتابی را که به معرفی روشهای متنوع جاری در پژوهشهای حوزه برنامه درسی پردازد احساس کردم. به فکر تولید اثری در حوزه برنامه درسی افتادم که اشکال متنوع پژوهش را که در سالهای اخیر و متناسب با پرسشهای جدید و متفاوت پژوهشی این حوزه مطالعاتی به کار گرفته شده است، منعکس نماید، شبیه کاری که مورگان در معرفی روشهای مختلف برای مطالعه سازمانهای اجتماعی انجام داده است. به وضوح می دانستم که فعالیتهای پژوهشی مهمی در حوزه برنامه درسی در دست اجراست و این پژوهشها به طور عمده متکی به استفاده از راهبردها و رویکردهایی هستند که به ندرت در سایر حوزههای مطالعاتی تعلیم و تربیت به کار گرفته می شود. بنابراین نه تنها نیازمند آن هستیم که این روشهای متنوع پژوهشی را به رسمیت بشناسیم و تبیین کنیم تا بدین وسیله زمینه استمرار کاربرد آنها در قلمرو برنامه درسی فراهم شود، بلکه لازم است تناسب آنها با نیازهای پژوهشی خارج از حوزه برنامه درسی و قلمروهای شبیه یا مرتبط با این حوزه نیز نشان داده شود تا مشروعیت آنها توسط پژوهشگران سایر حوزههای مطالعاتی نیز احراز گردد.

مدت زمانی که صرف تدارک این اثر شد بسیار بیش از آن چیزی بود که ابتدا تصور می کردم؛ هر چند که از محصول نهایی، چه به لحاظ صوری و چه به لحاظ محتوایی، راضی و خرسندم. این اثر به ارائه مجموعه گسترده ای (گرچه نه کامل و جامع) از روش شناسیهای پژوهشی در حوزه برنامه درسی می پردازد که از آنها تحت عنوان اشکال گوناگون پژوهش نام برده شده است. پژوهشگرانی که تجارب کافی در استفاده از هر یک

1. Gareth Morgan

2. *Beyond Method: Strategies for Social Research*

از اشکال گوناگون پژوهش کسب کرده‌اند دعوت شده‌اند تا فهم خود از اصول و مبانی آن روش‌شناسی و همچنین نحوه استفاده از آنها را شرح دهند. اشکال شناخته شده پژوهش که متعلق به قلمروهای تخصصی مختلف هستند، مانند فلسفی، تاریخی و علمی، در کنار اشکال پیچیده‌تر میان‌رشته‌ای پژوهشی، مانند انتقادی، کنش فکورانه¹ و نظری (نظریه‌ای)، به گونه‌ای شرح داده شده‌اند که نسبت آنها با انواع خاصی از پرسشهای پژوهشی در حوزه برنامه‌درسی آشکار باشد.

در حد فاصل گفتار مقدماتی تا تأملات پایانی، در مجموع هفده شکل متفاوت پژوهش در حوزه برنامه‌درسی توصیف شده است. در هر یک از فصول، نویسندگان به شرح اهداف و فرایندهایی می‌پردازند که با به کارگیری هر یک از اشکال پژوهش تناسب دارد. همچنین توضیح کلی درباره دانش مفهومی و دانش روشی (روش کاری)² مربوط به استفاده از هر یک از اشکال و بحث درباره نقاط ضعف و قوت آنها در چهارچوب مثالهای خاص در هر فصل ارائه شده است. کتاب‌شناسی هر یک از فصول به معرفی مطالعات برنامه‌درسی مبتنی بر روش‌شناسی مربوط پرداخته و همچنین منابع و آثار علمی مرتبط با آن روش‌شناسی خاص را دربر گرفته است. بنابراین گرچه فصول کتاب نسبتاً کوتاه هستند، اما با معرفی منابع متنوع، زمینه دستیابی به دانش وسیع مورد نیاز خوانندگان علاقه‌مند فراهم شده است.

این کتاب نه تنها به بررسی طیف گسترده‌ای از اشکال مختلف پژوهش در قلمرو برنامه‌درسی می‌پردازد، بلکه هم‌زمان این حقیقت را آشکار می‌سازد که اگر قرار است به پرسشهای مطرح در حوزه برنامه‌درسی به شایستگی پاسخ داده شود، تمسک به اشکال متنوع پژوهش یک ضرورت است. در گفتار مقدماتی سعی کرده‌ام اطلاعات زمینه‌ای برای فهم این حقیقت ارائه نمایم تا بدین وسیله تحولات سالیان اخیر قلمرو برنامه‌درسی و تبدیل آن به یک حوزه مطالعاتی بهتر درک شود. به منظور آگاهی تازه‌واردان به این رشته، کوشیده‌ام گفتار مقدماتی شامل مباحثی درباره ماهیت پژوهش در حوزه برنامه‌درسی و ارتباط آن با اندیشه‌های بنیادی درباره پژوهش به طور عام، پژوهشهای تعلیم و تربیتی و دیگر قلمروهای پژوهشی (تخصصی) که دارای ویژگی عملی³ هستند نیز باشد.

1. deliberative

2. procedural

3. practical

در اینجا مایلم از کار در خورتحسین نویسنندگان فصول مختلف تشکر کنم که هم در مرحله آماده‌سازی و هم در مرحله ویرایش کتاب متحمل زحمت فراوان شده‌اند. به یقین کیفیت خوب محصول نهایی در درجه اول مرهون کوششهای آنهاست. بدون تلاشهای خالصانه این جمع، تدوین اثر حاضر هرگز به سرانجام نمی‌رسید. همچنین لازم می‌دانم از تلاش کلیه کسانی که زحمت داوری ویرایشهای اولیه فصول را تقبل نمودند تشکر کنم. از ذکر نام ایشان به دلیل اینکه تعدادشان زیاد است معذورم؛ همین بس که اشاره کنم این مجموعه هسته اصلی متخصصانی که حوزه مطالعات برنامه‌درسی را تشکیل می‌دهند در برمی‌گیرد. مراتب سپاس خود را به همه آنان ابلاغ می‌دارم.

ادموند سی. شورت